

دادرسی غیابی در امور کیفری؛ مبانی و دلایل

دکتر حسین آقایی جنت مکان*

دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

یکی از مسایل مورد بحث در آئین دادرسی کیفری ملی و بین المللی مساله محاکمه غیابی است. در نظام های حقوقی معاصر از یک طرف، و در آیین های دادرسی کیفری ملی و بین المللی از طرف دیگر، اختلاف نظرهای فراوانی پیرامون این موضوع وجود دارد. هر کدام از نظام های دادرسی کیفری برای ممنوعیت یا مجاز دانستن محاکمات غیابی دلایل و توجیهاتی دارند. در نظام دادرسی اتهامی، علی الاصول محاکمه غیابی جایز دانسته نشده است. در برابر، در نظام دادرسی تفتیشی، انجام محاکمه غیابی متهم رامطابق اصول می دانند. مبنای اصلی ممنوعیت یا جواز رسیدگی غیابی نیز به ماهیت هر دو نظام دادرسی پیش گفته بر می گردد. بر این اساس، مقاله حاضر کوشش دارد تا دیدگاه نظام های حقوقی معاصر به ویژه دیدگاه نظام اتهامی، تفتیشی و نظام اسلامی را در خصوص برگزاری محاکمات غیابی در امور کیفری روشن و تبیین نماید. سپس به بررسی این موضوع در رویه عملی دادگاه های کیفری بین المللی بپردازد. مقررات آئین دادرسی کیفری ایران در زمینه برگزاری محاکمات غیابی نیز مطمح نظر خواهد بود. نتیجه حاصل از مباحث فوق می تواند راهنمای قانون گذار ایران در تصویب مقررات مربوط به نحوه برگزاری محاکمات غیابی و نزدیک کردن قوانین به معیارهای قواعد معاهداتی بین المللی در این زمینه باشد.

* استادیار گروه حقوق - دکتری حقوق جزا housein-aghaei@yahoo.com

واژه‌های کلیدی: دادرسی، غیابی، تفتیشی، اتهامی

۱. پیشگفتار

اصل بر حضور متهم در کلیه مراحل دادرسی کیفری است. اصل دادرسی علنی نیز اقتضاء می‌کند که متهم در جلسه دادگاه حضور یابد و از دلایل گرد آوری شده علیه خود آگاه شود و با توجه به آن‌ها از خود دفاع کند (نیکوئی، ۱۳۸۵: ۲۲۵؛ صابر، ۱۳۸۶: ۱۳۵). حق حضور متهم یکی از لوازم دادرسی منصفانه است. حق محاکمه منصفانه در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر و اسناد بشردوستانه بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است (شبت، ۱۳۸۴: ۱۰۷؛ ۸۰۳: Triffterer, 1999). بر پایه قسمت چهارم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «متهم حق دارد در محاکمه حضور یافته و به شخصه یا از رهگذر وکیل برگزیده از خود دفاع کند»^۱ با وجود این، دلایل زیادی وجود دارد که رسیدگی غیابی را در مواردی، به ویژه در دادرسی‌های کیفری ملی تجویز می‌نماید. زیرا اعتبار مطلق و بی چون چرای حضور طرف‌های دعوی در رسیدگی به طور مسلم موجب تضییع بسیاری از حقوق می‌گردد. در نظام‌های حقوقی برخوردار یکسانی با مساله محاکمه غیابی به عمل نیامده است. در نظام کامن‌لا اصل بر رسیدگی حضوری است و رسیدگی غیابی به ندرت پذیرفته شده است حال آن‌که در نظام تفتیشی با مساله محاکمه غیابی برخورد منعطف‌تری صورت می‌گیرد. فلسفه متفاوت دو نظام دادرسی کیفری نیز مبتنی بر آئین دادرسی ترافعی و تفتیشی است. فلسفه منع برگزاری محاکمه غیابی را از اصل برابری سلاح‌ها نیز می‌توان استنباط کرد (صابر، ۱۳۸۶: ۱۳۵؛ ۱۳۸۸: ۱۹۰). این اصل اشاره دارد که چنان‌چه فردی در معرض اتهام قرار گیرد، حق دارد که از تسهیلات لازم و برابر با طرف مقابل خود بهره‌مند گردد. بنابراین، باید از دلایل و اسنادی که طرف وی به دادگاه ارائه کرده یا دادرسی گرد آوری کرده است، آگاه شود و با داشتن زمان کافی مدارک لازم را برای دفاع از خود فراهم کند. در جلسه دادگاهی که شاکی و نماینده دادستان حضور دارند ولی از متهم دعوت به حضور نشده است، رسیدگی عادلانه مبتنی بر برابری سلاح‌ها نیست (نیکویی، ۱۳۸۵: ۲۲۷). به نظر می‌رسد از اصل برائت نیز می‌توان در جهت ممنوعیت دادرسی غیابی کمک گرفت (نوبهار، ۱۳۸۹: ۴۴). حتی عده‌ای عدم

جواز محاکمه غیابی را دلیلی بر وجود اصل قضایی بودن مجازات‌ها تلقی می‌نمایند (نوبهار، همان).

رد پای محاکمات غیابی را می‌توان در حقوق دوران کهن و حقوق رم نیز یافت. اما آن چه در حقوق مدرن به عنوان محاکمه غیابی شناخته می‌شود با آن چه در گذشته وجود داشته، تفاوت‌های اساسی دارد (لنگی، ۱۳۸۵: ۷۸). علت ممنوعیت دادرسی غیابی در کامن‌لا، ترافعی بودن دادرسی در این نظام است. به این معنا که متهم حق دارد در جلسه دادرسی ضمن چالش با دادستان، دفاع متناسبی از خود ارائه کند، اتهامات را تکذیب نماید، به وکلای مدافع در ارائه ادله جدید کمک کند و یا در مواجهه با شهود از آنان سئوالاتی نماید یا هنگام سئوال از شهود توصیه‌هایی را به وکلای خود بنماید (صابر، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

در نظام‌های دادرسی ملی و بین‌المللی نیز در خصوص محاکمه غیابی اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد.^۲ در منشور دادگاه نورنبرگ محاکمه غیابی به رسمیت شناخته شده بود. در اساسنامه دادگاه‌های اختصاصی (موقت)^۳ محاکمه غیابی به رسمیت شناخته نشده است. در جریان طرح اساسنامه رم نیز مباحث قابل توجهی در رابطه با جواز یا عدم جواز محاکمات غیابی وجود داشت. طرفداران محاکمات غیابی چنین استدلال می‌کردند که با توجه به مشکلات عملی فوق‌العاده در ارتباط با اجبار به احضار در محاکمات بین‌المللی، محاکمات غیابی ضروری به نظر می‌رسد (شبث، ۱۳۸۴: ۱۵۹). ویلیام شبث اظهار می‌دارد در جریان طرح اساسنامه رم، مساله محاکمات غیابی غالباً به صورت نادرست و به عنوان یک انحراف اساسی از نظام قضایی کامن‌لا که آن را مجاز نمی‌شمارد، مطرح شد حال آن که در نظام کامن‌لا نیز محاکمات غیابی در موارد استثنائاً پذیرفته شده است. (شبث، ۱۳۸۴: ۱۵۹)

مساله مهم دیگری که در این نوشتار مورد بحث و بررسی قرار گرفته این است که آیا صرف حضور فیزیکی متهم در جلسه دادگاه کافی است یا حضور در محاکمه باید همراه با اقتضائاتی باشد. زیرا در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی بعضاً متهمان در جلسه دادرسی حضور می‌یافتند بدون این که مبادرت به دفاع از خود نمایند.

نوشتار حاضر کوشش دارد ابتدا دیدگاه‌های مختلف نظام‌های حقوقی معاصر را در خصوص محاکمات غیابی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد (الف). سپس به بررسی

موضوع در روبه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پردازد (ب) و در نهایت نیز چگونگی محاکمه غیابی درآیین دادرسی کیفری ایران مورد بررسی و مذاقه قرارگیرد (ج).

۲. محاکمه غیابی در نظام‌های حقوقی معاصر

۲-۱. نظام حقوقی کامن لا

مساله محاکمه غیابی^۴ یکی از اختلافات بنیادی بین اکثر کشورهای حقوق نوشته و نظام کامن لا می‌باشد (زاپالا، ۱۳۸۷: ۱۶۱)، هرچند برخی این تفاوت بنیادی را رد می‌کنند (شبث، ۱۳۸۴: ۱۵۹). به طور کلی می‌توان گفت که در نظام کامن لا محاکمات غیابی ممنوع است (کسسه، ۱۳۸۷: ۴۵۸، ۴۵۹) به عبارت دیگر، کشورهای کامن لا همیشه حضور متهم را برای شروع به محاکمه ضروری می‌دانند. لزوم حضور، ناشی از استفاده از شیوه محاکمه ترافی در نظام کامن لا می‌باشد؛ زیرا در این نظام اثبات حقیقت به طور ترافی به طرف‌های دعوی واگذار می‌شود. در نظام دادرسی اتهامی برای ممنوعیت محاکمه غیابی دلایلی عنوان کرده‌اند که عبارتند از: چون محاکمه اساساً «دوئلی» است که میان دو طرف (دادستان و متهم) در جریان است، حضور طرف‌های نزاع ضروری است، در غیر این صورت، جریان محاکمه به معنی واقعی ادامه پیدا نمی‌کند (شمس، ۱۳۸۱: ۱۲۰)؛ زیرا در نظام کامن لا جمع آوری مدارک به عهده طرفین و اثبات اتهام به عهده دادستان و رفع آن به عهده متهم خواهد بود، در صورت غیبت وی کسی نمی‌تواند آن نقش را به جای وی بازی کند.^۵ به عبارت دیگر، نظام دادرسی اتهامی بیش‌تر تابع اصل تناظر می‌باشد. بدین معنا که اصحاب دعوی می‌توانند تمام آن چه را که در رسیدن به خواسته‌های خود و کشف واقع لازم و مفید می‌دانند، در دادگاه ارائه نمایند (شمس، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

ممنوعیت محاکمه غیابی در نظام دادرسی اتهامی^۶ ریشه تاریخی نیز دارد؛ زیرا تجویز محاکمه غیابی سبب می‌شود که در نظام‌های دیکتاتوری از این مساله سوء استفاده شود. برای مثال، در برخی مواقع دولت‌های غیر دموکراتیک محاکمات غیابی را برای محاکمه مخالفان سیاسی خود که در خارج از مرزها زندگی می‌کنند، ترتیب می‌دهند تا آن‌ها را محکوم و مجازات نمایند (کسسه، ۱۳۸۷: ۴۹۵).

در بعضی کشورها نظیر آمریکا الزام به حضور در دادرسی را بر اساس شرایط

مقرر در قانون اساسی آن کشور توجیه می‌نمایند. برای مثال، در آمریکا، دیوان عالی آن کشور در دعوی گانون^۷ اشعار داشت که ممنوعیت محاکمه غیابی به دلیل وجود «شرط رودروئی» مندرج در اصلاحیه ششم^۸ و «شرط جریان صحیح محاکمه» منبعت از اصلاحیه چهاردهم^۹ است. (صابر، ۱۳۸۶: ۱۳۶) با وجود این، در نظام حقوقی کامن لا نیز رسیدگی غیابی به عنوان استثنایی بر اصل حضور متهم پذیرفته شده است. تنها استثنایی که در نظام ترافعی برای عدم حضور متهم پذیرفته شده زمانی است که متهم با رفتار خود جلسات رسیدگی را به هم بزند یا هنگامی که احتمال فرار وی بعد از شروع به رسیدگی وجود دارد. منطبق این رویکرد نیز روشن است: چون روند محاکمه عبارت است از چالش میان دو طرف (دادستان و متهم) و در صورتی که یکی از آن‌ها حضور نداشته باشد، محاکمه به معنی واقعی کلمه جریان پیدا نمی‌کند (کسسه، ۱۳۸۷: ۴۵۷). دیوان عالی کشور آمریکا نیز علی‌رغم مجاز ندانستن محاکمه غیابی در آن کشور مقرر داشته است، چنان چه متهم، بعد از حضور در دادگاه، عمداً فرار کند تا مانع از پیشرفت روند محاکمه شود، جریان محاکمه ادامه می‌یابد.^{۱۰}

۲-۲. نظام حقوقی رومی - ژرمنی

برعکس نظام کامن لا، در اکثر نظام‌های حقوقی مدون، محاکمه غیابی پذیرفته شده است (کسسه، ۱۳۸۷: ۴۹۵؛ شبت، ۱۳۸۴: ۱۵۹) یعنی محاکمه می‌تواند در غیاب متهم نیز برگزار شود. کشورهای نظیر فرانسه، بلژیک، یونان، هلند و بیش تر کشورهای آمریکای لاتین و چین محاکمه غیابی را پذیرفته اند. در نظام دادرسی تفتیشی که از نظر تاریخی موخر بر نظام دادرسی اتهامی است و خاستگاه آن کشور فرانسه می‌باشد، قدرت تعقیب دعوی کیفری به یک مقام قضایی منصوب به نام دادستان واگذار می‌شود، که وظیفه جمع آوری ادله و مدارک را به عهده دارد. همین طور در این نظام قاضی نقش فعالی در تحصیل دلایل ایفاء می‌کند (شمس، ۱۳۸۱: ۱۲۲). فلسفه این که در نظام حقوق نوشته، رسیدگی غیابی لزوماً مورد قبول قرار گرفته (برعکس کشورهای کامن لا) آن است که قاضی تحقیق ادله را نه تنها برای دادستان بلکه برای متهم نیز جمع می‌کند. بنابراین، هنگامی که روند محاکمات آغاز می‌شود، دادگاه مدارک توجیهی به نفع متهم را نیز در دست دارد، و بنابراین، در موقعیتی است که می‌تواند ادله له و علیه متهم را ارزیابی کند (کسسه، ۱۳۸۷: ۴۵۹).

فلسفه متفاوت دو نظام سنتی دادرسی کیفری (تفتیشی و اتهامی) در زمینه پذیرش یا عدم پذیرش محاکمه غیابی تا حدود زیادی با خصوصیات این دو نظام نیز پیوند دارد؛ زیرا در نظام اتهامی، جریان رسیدگی عموماً شفاهی است. در مرحله رسیدگی، پرونده‌ای به دادگاه ارائه نمی‌شود اما در نظام تفتیشی، در مرحله محاکمه، اصل بر رسیدگی کتبی است. به این معنا که مدارک جمع آوری شده توسط قاضی تحقیق برای بررسی از سوی طرف‌های دعوی و قضات به دادگاه ارائه می‌گردد. در نظام ترافیکی اثبات حقیقت قضایی به صورت چالشی به طرفین واگذار می‌شود، و بیش تر بر حمایت از طریق به کارگیری مجموعه‌ای از تضمین‌های جدی در آئین دادرسی، تاکید می‌ورزد. در نظام تفتیشی، تاکید شدید بر منافع عمومی در محاکمه و مجازات کسانی است که از ارزش‌های اجتماعی مستتر در قواعد کیفری تخطی می‌کنند. (کسسه، ۱۳۸۷: ۴۶۴) به عبارت دیگر، در نظام تفتیشی به متهم اهمیت کمتری داده می‌شود. البته، این خصوصیات عمومیت ندارد و در حال حاضر، یک نظام خالص آئین دادرسی کیفری وجود ندارد.

برخی نویسندگان معتقدند پذیرش نهاد محاکمه غیابی ارتباط چندانی با نظام تفتیشی که در کشورهای حقوق نوشته حاکم است، ندارد، زیرا برای مثال، کشورهای نظیر ایتالیا، علی‌رغم پذیرش نظام اتهامی در قانون جدید آئین دادرسی کیفری خود، محاکمه غیابی را نیز جایز دانسته‌اند. در مقابل، کشورهای نظیر اسپانیا و آلمان، که نظام تفتیشی را انتخاب کرده‌اند، محاکمه غیابی را مناسب نمی‌دانند.^{۱۱} آنتونیو کسسه دلیل این امر را دو چیز می‌داند: دلیل اول آن که این کشورها حق حضور متهم در محاکمه را به عنوان یک حق بنیادی بشر تلقی کرده‌اند. دوم، آن که این کشورها عقیده دارند که محاکماتی که در جهت دستیابی به هدف نهایی محاکمات کیفری، یعنی اجرای عدالت، نباشد، بی‌فایده است. برخی نویسندگان نظیر راکسین^{۱۲} - حقوق دان آلمانی - دلایل دیگری نیز اقامه نموده‌اند از جمله آن که «قاضی دادگاه باید شخصاً متهم را نزد خود ببیند، تا تصویر درستی از شخصیت وی داشته باشد.» (کسسه، ۱۳۸۷: ۴۵۹). نباید از کنار دیدگاه راکسین به آسانی گذشت؛ زیرا ماهیت دادرسی کیفری با دادرسی مدنی تفاوت می‌کند. در دادرسی‌های کیفری حضور متهم ضروری است. زیرا حضور و مشاهده رفتار وی در دادگاه، می‌تواند برای احراز مجرمیت یا بی‌گناهی او، و به ویژه،

تعیین میزان کیفر و اعمال کیفیات مخففه و مشدده مهم باشد.

مضافاً، در اکثر نظام‌های حقوقی مدون فرض بر این است که منافع عمومی جامعه در هنگام صدور رای در جرایم کیفری باید بر حق حضور متهم در دادگاه ترجیح داده شود (لنگتی، ۱۳۸۵: ۳۶)، به ویژه، اگر متهم با اختیار خود از حضور در دادگاه خودداری نموده باشد (کسسه، ۱۳۸۶: ۴۶۰). به عبارت دیگر، در نظام تفتیشی منافع عمومی بر حقوق متهم بیش از نظام اتهامی ترجیح دارد. البته در نظام حقوق مدون برگزاری محاکمات غیابی را در صورتی جایز می‌دانند که مجموعه‌ای از ضمانت اجراهای حقوقی در خصوص متهم رعایت گردد.

دادگاه اروپایی حقوق بشر^{۱۳} در قضیه پواتریمول علیه فرانسه^{۱۴} و نیز در دعوی کرومباخ علیه فرانسه^{۱۵} مقرر داشته است:

حضور متهم در دادرسی به چند دلیل بسیار ضروری است، هم به دلیل آن که حق دارد در جلسات رسیدگی شرکت نماید و هم به دلیل نیاز به تشخیص درستی اظهاراتش و مقایسه آن‌ها با اظهارات بزده دیده - که منافع وی نیازمند حمایت است - و با اظهارات شهود (بند ۳۵).

البته، دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز با اکراه محاکمه غیابی را می‌پذیرد و پذیرش آن را با رعایت تضمین‌هایی همراه می‌کند که عبارتند از: متهم باید رسماً از اتهامات علیه خود مطلع شده باشد،^۲ دلایلی در دست باشد که وی عامدانه از شرکت در جلسه محاکمه خودداری ورزیده است،^۳ متهم همواره از این حق برخوردار باشد که نزد دادگاه حاضر شده و تقاضا کند که محاکمه از نو آغاز شود، حتی اگر قبلاً محکوم شده باشد؛ به عبارت دیگر وی حق دارد از دادگاهی که به پرونده وی رسیدگی می‌کند بخواهد تصمیم تازه‌ای در مورد موضوعات ماهوی اتخاذ نماید،^۴ متهم حق دارد برای دفاع از خود وکیل بگیرد.^{۱۷}

مبنای اصلی نظام‌هایی که رسیدگی غیابی را تجویز می‌نمایند این است که نباید به متهم اجازه داد که با فرار از محاکمه در اجرای عدالت اختلال ایجاد کند. در این نظام‌ها، متهم حق حضور در مرحله رسیدگی را دارد، لکن چنان چه پیش از شروع محاکمه از چنگال عدالت بگریزد، صراحتاً از حق خود اعراض نموده است. چنان چه قضات هم به دلیل فرار متهم از رسیدگی خودداری نمایند، این بدان معنی است که در نهایت متهم

می‌تواند جلوی عدالت کیفری را بگیرد. دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده کولوزا علیه ایتالیا مقرر داشت: عدم امکان برگزاری محاکمه غیابی می‌تواند جریان رسیدگی کیفری را مختل کند، زیرا در این صورت، ممکن است مثلاً باعث از بین رفتن ادله، مرور زمان یا اجرای نادرست عدالت شود (بند ۲۹).

۳-۲. نظام دادرسی اسلامی

در نظام دادرسی اسلامی، عده‌ای از فقهای امامیه در خصوص صدور رأی غیابی ادعای اجماع کرده‌اند (جمادی، ۱۳۸۶: ۸۶ به نقل از محقق داماد، ۱۳۷۹: ۲۳۴ و به نقل از خویی در منهاج الصالحین، ج اول: ۲۳؛ محقق داماد، ۱۳۸۷: ۲۳۴). دکتر عبدالله شمس مستند فقهاء مبنی بر جواز صدور حکم غیابی علیه متهم را به استناد حدیث زیر می‌داند: «الغائب یقضی علیه اذا اقامت علیه البینه و ... ویکون الغائب علی حجتہ اذا قدم ...»؛ هرگاه علیه شخص غایب بینه اقامه گردد قضاوت علیه او (و به نفع مدعی) انجام خواهد شد ... ولی برای شخص غایب پس از حضور، حق اقامه دلیل باقی است و...^{۱۸} آیت الله خویی در کتاب منهاج الصالحین و نیز شیخ محمد حسن نجفی در کتاب جواهر الکلام هر دو در خصوص رسیدگی غیابی ادعای اجماع دارند.^{۱۹} با وجود این، صاحب جواهر الکلام دادرسی غیابی علیه متهم را امری خلاف اصل قلمداد می‌نماید (نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰: ۲۲۲). در مقابل، برخی نیز مشروعیت صدور رأی غیابی را مورد تردید قرار داده و نظر خود را به برخی از روایات مستند کرده‌اند.^{۲۰} فقهای مخالف، در تبیین عدم جواز صدور حکم غیابی به حدیثی از امام محمد باقر^(ع) استناد می‌کنند که آمده: «اذا تقاضی الیک رجلاً فلا نقض للاول حتی تسمع من الاخر...» هرگاه دونفر برای قضاوت به شما مراجعه نمودند تا دفاع دیگری را نشنیده‌اید به نفع اولی قضاوت (حکم) نکنید. ...^{۲۱} برخی فقیهان نیز با وجود روایاتی چند مبنی جواز محاکمه غیابی، آن را همچون امری اضطراری به منظور پیش‌گیری از تزییع حقوق مدعی پذیرفته‌اند. (نجفی همان) اما مشهورترین نظریه در دادرسی اسلامی پیرامون رأی غیابی این است که دادرسی غیابی در اموری که واجد جنبه حق الناسی است، جایز است، لکن در اموری که واجد جنبه حق الهی است جایز به شمار نمی‌رود. (موسوی خمینی، ۱۳۶۲: ۳۷۴، مساله ۶؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۲۲۱ به نقل از جمادی، همان؛ نوبهار، ۱۳۸۹: ۶۳) هرچند در مورد مصادیق حق الله و حق الناس اختلاف وجود دارد و برخی موارد مانند سرقت

واجد هر دو جنبه می‌باشند. در اینجا عقیده بر این است که رسیدگی غیابی در حقوق الناس جایز و در حقوق الله ممنوع است. غافل از آن که تفکیک در رسیدگی بین این دو جنبه امر آسانی به شمار نمی‌رود. عمده‌ترین دلایل فقها از جمله شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر الکلام و شیخ یوسف صانعی از فقهای معاصر عبارت از این است که: حدود الهی مبتنی بر تخفیف و حقوق الناس مبتنی بر احتیاط هستند. شیخ طوسی در المبسوط تصریح نموده‌اند که جواز قضاوت علیه فرد غایب - در مواردی که جایز است - از باب احتیاط است.^{۲۲} ادعای اجماع به همراه تمسک به قاعده درء نیز از جمله دلایل آنان است (به نقل از جمادی، ۱۳۸۶: ۸۸). فقهای اهل سنت نیز همانند فقهای شیعه به جواز صدور حکم غیابی فتوا داده‌اند. شافعی، حنبلی، و مالکی با رسیدگی غیابی موافقت دارند، لکن حنفی با رسیدگی غیابی مخالفت ورزیده است (جمادی، همان). نویسندگان حقوقی با وجود آن که آن را امری خلاف اصل، اضطراری، از باب احتیاط و در مواردی موجب نقض اصل قضایی بودن مجازات‌ها می‌دانند، همین طور عدم جواز صدور حکم غیابی را نیز از موجبات سوء استفاده افراد فرصت طلب می‌دانند؛ زیرا ممکن است افرادی فرصت یابند به حقوق دیگران تعدی نمایند و با فرار از حوزه قضایی مربوط، مانع برگزاری محاکمه و احقاق حق شوند (نوبهار، ۱۳۸۹: ۶۳).

۳. محاکمه غیابی در رویه دادگاه‌های کیفری بین المللی و بین المللی شده

۳-۱. دادگاه‌های کیفری بین المللی

در آئین دادرسی کیفری بین المللی، از همان ابتدا نظام ترافیعی غلبه یافت (کسسه، ۱۳۸۷: ۴۶۵) جالب این که در عین حال که نظام ترافیعی حاکم گردید، منشور نورنبرگ بر خلاف سنت رایج در نظام کامن لا محاکمه غیابی را پذیرفت. در نورنبرگ، قاضی جکسون در پاسخ به درخواست وکلای مدافع برای تعلیق محاکمه یکی از متهمان به نام کروپ^{۲۳}، اظهار داشت: محاکمه غیابی معایب زیادی دارد و این نوع محاکمه با معیارهایی که قانون اساسی برای شهروندان ایالات متحده در نظر گرفته است تطابق ندارد. با وجود این، در تدوین منشور، ما این امر را در نظر گرفتیم که متهمان از هر وسیله‌ای برای فرار از محاکمه استفاده خواهند کرد و لذا، منشور محاکمه غیابی را بنا

به اقتضای عدالت مجاز شمرد (کسسه، ۱۳۸۷: ۴۷۲) منشور دیوان نظامی بین‌المللی نورنبرگ در ماده ۱۲ به صراحت محاکمه غیابی را به رسمیت شناخته بود. ماده ۱۲ مقرر می‌داشت: «دیوان اجازه دارد رسیدگی به جنایات مشخص شده در ماده ۶ منشور را در غیاب شخص متهم انجام دهد، مشروط بر آن که دسترسی به متهم حاصل نشود و یا دادگاه با ملاحظه مقتضیات اجرای عدالت به جهتی از جهات، تشخیص دهد که رسیدگی در غیاب متهم ضرورت دارد.» براساس همان ماده، مارتین بورمان، یکی از متهمان آلمان نازی، نیز غیباً محاکمه و محکوم گردید (Triffterer, 1999: 803). فلسفه پذیرش و تجویز برگزاری محاکمه غیابی در محاکمات بعد از جنگ جهانی دوم، اهمیت جرایم ارتكابی از سوی متهمان از یک سو، و جلوگیری از فرار متهمان و به تمسخرگرفتن عدالت کیفری بین‌المللی و نیز فضای حاکم بر رسیدگی‌های دادگاه نورنبرگ بود.

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مانند ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجوزی در مورد رسیدگی غیابی بیان نشده است. اساسنامه‌های دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا نیز محاکمه غیابی را جایز ندانسته‌اند. یکی از دلایل اصلی ممنوعیت دادرسی غیابی در محاکمات کیفری بین‌المللی عدم امکان کشف حقیقت بدون حضور و مشارکت متهم است. دوم، بر فرض که بتوان تحقیقات لازم را نیز انجام داد، با این حال، فایده‌ای بر رسیدگی غیابی مترتب نیست و با فلسفه دادرسی بین‌المللی مغایر است؛ زیرا شخصی را که نتوان مجازات کرد محاکمه وی چه سودی دارد. مضافاً عده‌ای عدم وجود مرور زمان را نیز از دلایل ممنوعیت محاکمات غیابی می‌دانند زیرا مرور زمان که یکی از دلایل کشورها برای محاکمات غیابی است در دادرسی‌های بین‌المللی وجود ندارد. چون جرایم بین‌المللی مشمول مرور زمان نیستند (فضایلی، ۱۳۸۴: ۲۸۱ به نقل از صابر، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

به نظر می‌رسد اساسنامه‌های دادگاه‌های اختصاصی در این زمینه سکوت کرده‌اند، و همین امر سبب شده است تا عده‌ای بر این باور باشند که محاکمه غیابی در این دادگاه‌ها ممنوع است. در مقابل برخی نویسندگان حقوق کیفری بین‌المللی از ماده ۲۱ (۴) اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و ماده ۲۰ (۴) (د) اساسنامه دادگاه رواندا نتیجه می‌گیرند که در صورتی که متهم به موقع از کیفر خواست و اتهامات مندرج در

آن آگاه شود، و با وجود این، برای جلوگیری از اجرای عدالت فرار کند، محاکمه غیابی جایز است. ماده ۲۱ (۴) (د) اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق و ماده ۲۰ (۴) (د) اساسنامه دیوان رواندا مقرر می‌دارند: «محاکمه باید با حضور متهم انجام شود».

دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش خود^{۲۴} هنگام تاسیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق تاکید کرد که «متهم باید حضور داشته باشد». در گزارش نیامده است که متهم «حق حضور دارد» بلکه آمده است که «باید حضور داشته باشد». به همین دلیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی (موقت) حق انجام محاکمه غیابی را ندارند. تاکنون نیز دادگاه‌های پیش‌گفته، هیچ یک از متهمان را به صورت غیابی محاکمه نکرده‌اند. علت ممنوعیت این نوع محاکمات را نیز مغایرت آن‌ها با ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دانسته‌اند که مقرر می‌دارد متهم باید در هنگام محاکمه حضور داشته باشد (نیکوئی، ۱۳۸۵: ۲۲۷؛ 804: triffterer, 1999). کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد^{۲۵} نیز در سال پیش از گزارش دبیرکل اعلام کرده بود که در اوضاع و احوال استثنائی، این امکان وجود دارد که شخصی به طور غیابی مورد محاکمه قرار گیرد؛ مشروط بر آن که متهم از جریان رسیدگی آگاه شده و برای حضور در دادگاه در زمانی مناسب که بتواند از خود دفاع کند، احضار شده باشد (نیکوئی، ۱۳۸۵: ۲۲۸) البته کمیته تصریح کرد که در این صورت باید «نظارت دقیق بر همه حقوق دفاعی متهم صورت گیرد». در بیان دلایل عدم تجویز حکم غیابی، برخی معتقدند نه به دلیل اینکه انجام این محاکمات با حقوق متهم مغایر است، بلکه به این دلیل است که کمکی به کارآیی تعقیب جرایم مشمول صلاحیت دیوان نمی‌نمایند (زاپالا، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

همین طور، شعبه تجدید نظر دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده بلاسکیچ (احضاریه) در مورد فردی که علی‌رغم احضار در دادگاه حاضر نشده بود، اشعار داشت: این مساله می‌تواند به عنوان توهین به دادگاه تلقی گردد و رسیدگی ویژه در خصوص اهانت به دادگاه صورت گیرد، چنانچه متهم در این مرحله از رسیدگی نیز حاضر نشود، دستور محاکمه غیابی وی باید صادر شود (بند ۵۹).^{۲۶} دادگاه هم چنین اشعار داشت: هرچند رسیدگی غیابی به جرایم در صلاحیت دیوان صحیح نمی‌باشد، لکن چنان چه متهم در جلسات دادگاه حاضر نشود و این مساله بی‌اعتنایی به دستورات

دادگاه تلقی گردد و اجرای عدالت را مخدوش نماید، مجاز می‌باشد. شعبه تجدید نظر هم چنین اضافه کرد که در عین حال باید کلیه تضمینات قضایی برای متهم مد نظر قرار گیرد. نکته جالب این است که رأی فوق با اکثریت آراء صادر شد و سه قاضی که از کشورهای دارای نظام کامن لا بودند نیز با نظر دادگاه در زمینه رسیدگی غیابی موافقت کردند (کسسه، ۱۳۸۷: ۵۰۱؛ زاپالا، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

به نظر می‌رسد حق محاکمه حضوری متهم نباید خیلی مضیق تفسیر شود. به لحاظ تفسیر مضیق حق محاکمه حضوری، دادگاه رواندا در پرونده بارایا گویزا^{۲۷} با مشکلات عدیده‌ای مواجه شد؛ زیرا متهم به این دلیل که دیوان رواندا نمی‌تواند معیارهای محاکمه منصفانه را در مورد او رعایت نماید، از حضور در دادگاه خودداری کرد. وی به وکیل تسخیری خود توصیه کرد که در دادگاه حاضر نشود ولی با وجود این، از جهات دیگر به نمایندگی خود از وی ادامه دهد. شعبه بدوی در این پرونده اشعار داشت، در شرایطی که متهم به نحو مطلوبی از جریان محاکمه خود مطلع شود، نه اساسنامه دادگاه رواندا و نه نظام حقوق بشر هیچ کدام مانع از رسیدگی غیابی به پرونده او نمی‌شوند (کیتی چایساری، ۱۳۸۷: ۳۴۴). برخی معتقدند که از ماده ۱۴ می‌توان برداشتی مبتنی بر هدف و غایت ماده هم داشت. بدین معنا که تفسیری متناسب با اهداف شورای امنیت در هنگام تشکیل دادگاه، می‌تواند ارجحیت داشته باشد (رضوی فرد، ۱۳۸۷: ۳۳۸). برداشتی که از ماده ۱۴ صورت گرفته این است که ماده مزبور صراحتاً رسیدگی قبل از حضور فیزیکی متهم در برابر دادگاه را منع نمی‌کند، در صورتی که متهم از روی اراده و عمد خود را از دید دادگاه مخفی نماید. به عبارت دیگر، چنانچه شخصی که به صورت بالقوه دارای اهلیت برخوردار از حق حضور است، نخواهد از آن استفاده نماید، می‌توان گفت که در این صورت رسیدگی غیابی ممکن خواهد بود (رضوی فرد، همان). برخی عقیده دارند که وضعیت فعلی مبنی بر ممنوعیت صدور حکم غیابی ناشی از تفسیر مضیق ماده ۱۴ است، در حالی که ممنوعیت رسیدگی غیابی در این مورد از منطوق و از مفهوم ماده ۱۴ استنباط نمی‌شود (رضوی فرد، همان به نقل از کارین، لسیکو، ۱۹۹۴م: ۱۱۹).

یکی دیگر از مواردی که مشکلات محدودیت تفسیر مضیق محاکمه حضوری را نشان می‌دهد در پرونده سلبیچی^{۲۸} بوده است (زاپالا، ۱۳۸۷: ۱۶۰). در این پرونده یکی

از متهمان به مدت دو روز به این بهانه که بیمار است از حضور در دادگاه خودداری ورزید. همین طور، میلوشوویچ رئیس جمهور صربستان در آغاز محاکمه، به دلیل اعتراض نسبت به قانونی بودن دادگاه، در دیوان حاضر نشد، و وکیلی نیز برای دفاع از خود تعیین نکرد. البته، بعداً میلوشوویچ تغییر عقیده داد و فعالانه تا زمان فوت در جلسات دادگاه شرکت کرد.

در پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین المللی که در سال ۱۹۹۴ از سوی کمیسیون حقوق بین الملل تهیه و تدوین شده بود، مقررات خاصی در خصوص رسیدگی به پرونده متهمانی که از حضور در دادگاه امتناع می ورزند پیش بینی شده بود. در این پیش نویس، مجموعه‌ای متفاوت از راه حل‌ها وجود داشت، از جمله تجویز محاکمه غیابی تا اجباری کردن همه گزینه‌های حضور، قطع نظر از تمایل متهم برای مشارکت (زاپالا، ۱۳۸۷: ۱۶۱). اختلافات هنگام مذاکرات مربوط به تدوین اساسنامه رم باعث شد که هیچ اجماعی در زمینه محاکمه غیابی حاصل نشود. تنها یک راه حل در ماده ۶۳ اساسنامه پذیرفته شد که تحت عنوان «محاکمه حضوری» مقرر می دارد: محاکمه باید با حضور متهم باشد. مگر آن که متهم در روند محاکمه اخلاص نماید، که در این صورت متهم اخراج می شود. با این حال، در صورت لزوم، متهم اخراج شده باید بتواند خارج از شعبه و از طریق وسایل ارتباطی، روند محاکمه را مشاهده و توصیه‌های لازم را به وکیل مدافع خود بنماید. البته، اساسنامه اتخاذ چنین تدابیری را صرفاً به طور استثنایی می پذیرد. (ماده ۶۳ (۲)). بنابراین، تنها در یک مورد رسیدگی غیابی به صراحت مورد توافق است و آن جایی است که متهم اقدام به اخلاص در نظم جلسه دادگاه نماید (شبت، ۱۳۸۴: ۱۵۹؛ کسسه، ۱۳۸۷: ۴۵۸) یا هنگامی که احتمال فرار وی بعد از شروع محاکمه وجود داشته باشد.^{۲۹} ماده ۱۲۴ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین المللی نیز در مورد عدم حضور داوطلبانه متهم در جلسات دادرسی مقرراتی را وضع کرده است.

در جریان طرح اساسنامه رم نیز مباحث قابل توجهی در رابطه با جواز یا عدم جواز محاکمات غیابی نشأت گرفته از دو نظام دادرسی کامن لا و نظام حقوق نوشته در این خصوص وجود داشت (صابر، ۱۳۸۶: ۱۳۷). طرفداران محاکمات غیابی چنین استدلال می کردند که با توجه به مشکلات عملی فوق العاده در ارتباط با احضار افراد در محاکمات بین المللی، محاکمات غیابی ضروری به نظر می رسد (شبت، ۱۳۸۴: ۱۵۹).

دولت فرانسه از ایده امکان محاکمه غیابی جنایت کاران بین المللی حمایت می‌کرد، در مقابل کشورهای نظیر استرالیا با این مفهوم مخالفت می‌ورزیدند. نماینده استرالیا در مخالفت خود با محاکمه غیابی به دو دلیل استناد می‌کرد: یکی اهمیت جرایم در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی که محاکمه غیابی مناسب رسیدگی به آنها نیست. دوم اینکه، امکان اعاده محاکمه و واخواهی در صورت یافت شدن متهم امر دشواری است. زیرا باید امکان حضور مجدد شهود و قربانیان جرم و... نیز فراهم گردد (صابر، ۱۳۸۶: ۱۳۷). ویلیام شبت معتقد است در جریان طرح اساسنامه رم مساله محاکمات غیابی غالباً به صورت نادرست و به عنوان یک انحراف اساسی از نظام قضایی کامن لا که آن را مجاز نمی‌شمرد، مطرح شد. حال آن که در نظام کامن لا نیز محاکمات غیابی در مواردی استثنائاً پذیرفته شده است (شبت، ۱۳۸۴: ۱۵۹).

اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری بین المللی و معاهدات بین المللی در این زمینه عمدتاً تحت تاثیر نظام اتهامی بوده اند. سئوالی که مطرح می‌شود این است که با توجه به موضع متفاوت نظام‌های حقوقی در این زمینه، آیا می‌توان در سطح بین المللی به یک قاعده بین المللی مبنی بر منع یا تجویز محاکمه غیابی دست یافت یا خیر. حقوق دانان بین المللی از جمله آنتونیو کسسه در خصوص تشکیل یک قاعده بین المللی در این زمینه تردید دارند، زیرا پراکندگی قوانین و مقررات مانع از دست یابی به یک قاعده در سطح بین المللی می‌گردد (شبت، ۱۳۸۴: ۱۵۹؛ کسسه، ۱۳۸۷: ۴۵۸). با توجه به اینکه هیچ معاهده بین المللی وجود ندارد که محاکمه غیابی را منع کرده باشد، بر همین مبنا، مراجع بین المللی، بایستی قواعد معاهداتی موجود در زمینه چگونگی برگزاری محاکمات را که در میثاق بین المللی مدنی و سیاسی (ماده ۱۴ (۳)) و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۱۶ (۱)) آمده است، طوری تفسیر کنند که محاکمات غیابی را تجویز نمایند.

۲-۳. دادگاه‌های کیفری بین المللی شده

در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین المللی مختلط^{۳۰} نیز با رسیدگی غیابی متفاوت برخورد شده است. در اساسنامه برخی دادگاه‌ها با مساله محاکمه غیابی با سکوت برخورد شده است. برای مثال ماده ۱۷ (د) اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون حضور در جلسه دادگاه را حق متهم دانسته است، لیکن در مورد محاکمه غیابی هیچ اشاره‌ای نکرده است. اما در مورد دادگاه ویژه لبنان که از سوی شورای امنیت سازمان

ملل متحد تشکیل شده است، وضع متفاوت است.

اساسنامه دادگاه ویژه لبنان^{۳۱} که از این حیث از سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی (به جز نورنبرگ) متفاوت می‌باشد، رسیدگی غیابی را پیش‌بینی کرده است. (آقایی، جنت مکان، ۱۳۸۸: ۴۰). برای نخستین بار است که اساسنامه یک دادگاه بین‌المللی، امکان محاکمه غیابی را فراهم می‌سازد و برخی نویسندگان آن را یک نوآوری مهم در اساسنامه دادگاه می‌دانند (Cecile, 2007: 1108; Gaeta 2007: 1176). عده‌ای نیز عقیده دارند که ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان با معیارهای نظام حقوق بشر بین‌المللی مغایر است و باید اصلاح شود. زیرا این امر به اعتبار دادگاه در کل لطمه وارد می‌سازد (Jordish, 2010: 487).

ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان، همانند ماده ۱۲ منشور دیوان نظامی بین‌المللی نورنبرگ^{۳۲}، محاکمه غیابی متهم را اجازه می‌دهد. ماده ۲۲ اساسنامه با تصریح به انجام محاکمه غیابی آن را در سه مورد پیش‌بینی کرده (۱) متهم صریحاً و کتباً انصراف خود را از حق حضور اعلام دارد، (۲) متهم از سوی مقامات دولت مورد نظر تحویل دادگاه نشده باشد، (۳) متهم فراری باشد یا به نحو دیگری یافت نشود و همه اقدامات لازم برای احضار و مطلع کردن او از اتهامات صورت گرفته باشد. ماده ۲۲ همچنین تصریح می‌کند که برای برگزاری محاکمه غیابی، دادگاه باید اطمینان حاصل نماید که (۱) کیفر خواست به متهم ابلاغ شده یا اینکه از طریق اعلام در مطبوعات یا ارسال به دولت محل اقامت یا متبوع او اعلام شده باشد، و (۲) متهم یک وکیل مدافع انتخابی منصوب کرده باشد. سرانجام، ماده ۲۲ پیش‌بینی می‌کند که در صورت محکومیت، متهم حق محاکمه مجدد را دارد. حق محاکمه مجدد در صورتی است که متهم غایب وکیل مدافع انتخابی معرفی نکند، مگر آن که متهم رای صادره غیابی را بپذیرد.

پیش‌بینی برپایی محاکمه غیابی در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان، به نوعی دورشدن از دیدگاهی است که دبیر کل سازمان ملل متحد و مشاور حقوقی وی هنگام تدوین اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق و اساسنامه رم داشتند و یک موضوع مورد اختلاف بوده است. هنگام تأسیس دیوان یوگسلاوی سابق، دبیرکل سازمان ملل متحد تصریح کرد «در دیوان کیفری بین‌المللی بدون حضور فیزیکی متهم، محاکمه شروع نخواهد شد». ظاهراً پیش‌بینی محاکمه غیابی به اصرار هیأت لبنانی صورت گرفته است و دبیر

کل نیز از این پیشنهاد حمایت کرده است. علی‌الخصوص این که در آئین دادرسی کیفری لبنان نیز محاکمه غیابی شناسائی شده است.^{۳۳} هرچند در صورت محاکمه غیابی متهم، تضمین‌های لازم در نظر گرفته شده است. با وجود این، انتقادات زیادی نسبت به اختیارات وسیع دادگاه ویژه لبنان برای محاکمه غیابی صورت گرفته است؛ زیرا این امر می‌تواند یک ابزار سیاسی قدرتمند در یک زمینه آسیب‌پذیر از نظر تاریخی باشد. نویسندگان حقوق کیفری بین‌المللی آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند و متن ماده ۲۲ را رضایت بخش نمی‌دانند (Gaeta, 2007: 1165).

حقوق دانان بین‌المللی نظیر آنتونیو کسسه و نیز سالواتور زاپالا با استنباط از اصول کلی و مذاقه در خصوصیات محاکمات کیفری بین‌المللی به این نتیجه رسیده‌اند که در سطح بین‌المللی پذیرش محاکمات غیابی با دشواری روبرو است. هرچند آنان مدعی هستند که برخلاف قانون و عدالت است که به متهمان جرایم سنگین احتمالی اجازه داد با عدم شرکت عمدی در جلسه دادگاه، عدالت بین‌المللی را به تمسخر بگیرند (کسسه، ۱۳۸۷: ۴۹۹؛ زاپالا، ۱۳۸۷: ۱۶۰). کسسه معتقد است عوامل مختلف حضور متهم در محاکمه را ضروری می‌سازد که عبارتند از: پیچیدگی محاکمات بین‌المللی، ننگ ارتکاب جرایم بین‌المللی به انضمام اعلام گسترده این جرایم از طریق رسانه‌های گروهی، نیاز به تضمین این که اصل براءت که حق هر متهم است در اثر عدم امکان اطلاع به وکیل برای آمادگی دفاع از حقوق وی به خطر نیفتد.

۴. حضور فیزیکی یا حضور موثر؟

در این جا مساله مهمی مطرح می‌شود و آن این است که آیا صرف حضور فیزیکی متهم در جلسه دادگاه کافی است یا حضور در محاکمه باید همراه با اقتضائاتی باشد. به عبارت دیگر، چه تفاوتی بین محاکمه غیابی و محاکمه‌ای که متهم از خود دفاع نمی‌کند یا به دلایلی، قادر به دفاع از خود نمی‌باشد، وجود دارد؟ برای مثال، متهم در دادگاه حاضر می‌گردد اما به دفاع از خود مبادرت نمی‌نماید. یا این که متهم حاضر در جلسه دادگاه زبان دادگاه را نمی‌فهمد یا از بیماری رنج می‌برد که قادر به درک ماهیت دفاع از خود نمی‌باشد. در این صورت آیا صرف حضور فیزیکی متهم در جلسه دادرسی کافی است یا منظور از حضور در دادگاه چیزی بیش از یک حضور فیزیکی صرف است؟ به

نظر می‌رسد، منظور از حضور در محاکمه، حضور همراه با درک و معرفت نسبت به مراحل مختلف دادرسی و محاکمه می‌باشد. حضور در دادگاه چیزی فراتر از یک حضور فیزیکی صرف می‌باشد. به عبارت دیگر، متهم باید در وضعیتی باشد که گردش کار دادرسی را درک کند و این مساله ممکن است مستلزم آن باشد که چنانچه رسیدگی دادگاه به زبان دیگری غیر از زبانی باشد که متهم آن را درک نمی‌کند، وی بتواند به ترجمه‌ای قابل فهم از آن دسترسی پیدا کند (شبث، ۱۳۸۴: ۱۵۹-۱۶۰). به همین دلیل، اساسنامه حق دسترسی به یک مترجم برای متهم را به رسمیت شناخته است (ماده ۶۷ (و)). متهمی که جریان دادرسی را درک نمی‌کند، در واقع، در محاکمه حضور ندارد. به همین دلیل است که برخورداری از یک مترجم امری بدیهی است. حتی دادگاه اروپایی حقوق بشر ضرورت ترجمه اسناد را به عنوان نتیجه حق برخورداری از مترجم دانسته است (شبث، ۱۳۸۴: ۱۶۱). در موردی که متهم از سلامت روحی برای حضور در دادگاه برخوردار نیست، نیز همین مساله مطرح می‌شود. البته، این مساله با جنون که به موجب بند الف ماده ۳۱ (۱) اساسنامه به عنوان یک دفاع شناخته شده است، تفاوت دارد. متهمی که از سلامت روحی برای حضور در دادگاه برخوردار نیست، حضور وی، هدف ماده ۶۳ اساسنامه را برآورده نمی‌سازد. این وضعیت در پرونده اردمویچ - یکی از متهمان دادگاه یوگسلاوی سابق عملاً مطرح گردید. دادگاه در این پرونده متهم را در اختیار هیات متخصصان قرارداد تا تعیین نمایند که آیا اعتراف وی به جرم خود، توسط فردی صورت گرفته که به مفهوم واقعی کلمه در دادگاه حضور داشته یا خیر. متخصصان پزشکی نتیجه گرفتند که متهم تحت فشار روحی شدید بوده و شرایط روحی وی به او اجازه حضور در شعبه بدوی رانمی‌داده است. لذا دادگاه جلسه حضور وی را به تعویق انداخت و بعد از دریافت گزارش متخصصان مبنی بر بهبود وضعیت اردمویچ جلسه محاکمه وی تعیین گردید.

۵. محاکمه غیابی در قانون آئین دادرسی کیفری ایران

نخستین بار در قانون اصول محاکمات جزائی (بعدها به قانون آیین دادرسی کیفری تغییر نام داد) ایران مصوب ۱۲۹۰ رسیدگی غیابی پذیرفته شده بود. در سال ۱۳۳۷ با اصلاح ماده ۲۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ صدور حکم غیابی از سوی

دادگاه جنحه پذیرفته شد. سپس در سال ۱۳۳۹ دو قانون جداگانه یکی راجع به رسیدگی غیابی در امور خلافی^{۳۴} و دیگری راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنائی^{۳۵} به تصویب رسید. ماده واحده قانون راجع به رسیدگی غیابی در امور خلافی، صدور حکم غیابی در کلیه امور خلافی را حتی قبل از احضار متهم جایز دانسته بود. به موجب قانون تجویز دادرسی غیابی در امور جنائی مصوب ۱۳۳۹، دادگاه‌ها اجازه داشتند تا در امور جنائی هر گاه متهم متواری بوده و احضار و جلب او برای تعیین وکیل یا انجام تشریفات راجع به تشکیل جلسه مقدماتی مقدور نباشد و حضور متهم برای دادرسی ضروری تشخیص داده نشود اقدام به تعیین وکیل و تشکیل جلسه مقدماتی نموده و در غیاب متهم اقدام به دادرسی نماید.

پس از پیروزی انقلاب، ابتدا در قوانین پراکنده و سرانجام در قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ در ماده ۲۱۷ محاکمه غیابی پذیرفته شده است. در قانون فوق، قانون گذار ضمن تفکیک جرایم به حق الهی و حق الناسی، انجام محاکمات غیابی در جرایم حق الهی را ممنوع اعلام کرد، لکن در جرایمی که جنبه حق الناسی دارند، پذیرفته شده است. همین طور، اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۴۱۸۷ مورخ ۱۳۶۴/۸/۲۵، رسیدگی به جرم قتل عمد را به دلیل این که فاقد جنبه حق الهی است، به صورت غیابی جایز می‌داند. دیوان عالی کشور نیز در رأی وحدت رویه شماره ۶۴۱ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۵ رسیدگی غیابی در پرونده‌های صدور چک بلامحل را خالی از اشکال دانسته است.^{۳۶} اشکالاتی فراوانی در اجرای این قوانین وجود دارد که تا حدود زیادی مفهوم محاکمه غیابی و قلمرو آن را با ابهام مواجه ساخته است. از جمله این که، مفهوم جرایم حق الهی و حق الناسی روشن نیست و ضابطه دقیقی برای تفکیک این دو دسته جرایم در قانون پیش بینی نشده است. دوم آن که با توجه به ماده ۲ همان قانون^{۳۷} که مقرر داشته است کلیه جرایم دارای جنبه حق الهی هستند، اجرای ماده ۲۱۷ و ۲۱۹ رابا دشواری بیش تری مواجه ساخته است.

بنابراین، چنانچه بتوان معیاری هم برای تفکیک جرایم حق الهی از حق الناسی تعیین کرد و چنان چه با توجه به سایر مواد قانون آئین دادرسی کیفری بتوان برخی جرایم را فاقد جنبه حق الهی دانست، در نتیجه می‌توان در جرایم واجد جنبه حق الناسی انجام محاکمه غیابی را جایز دانست. اما فلسفه ممنوعیت برگزاری محاکمه غیابی

در جرایم واجد جنبه حق الهی چیست؟ آیا شباهتی بین دلایل ممنوعیت انجام محاکمات غیابی در جرایم جنبه حق الهی با توجیحات مذکور در نظام کامن لا وجود دارد یا خیر. مبنای صدور حکم غیابی در جرم‌های حق الناسی حفظ و جلوگیری از تضییع حق شاکی عنوان شده است (نیکوئی، ۱۳۵۸: ۲۲۸). در مورد جرایم واجد جنبه حق الهی تنها یک استثناء وجود دارد که محاکمه غیابی راجایز دانسته است. آن هم در صورتی است که رای دادگاه مبتنی بر براءة متهم باشد (ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸). در توجیه ممنوعیت صدور رای غیابی در جرایم واجد جنبه حق الهی گفته شده است از آن جاکه حدود الهی مبتنی بر تخفیف هستند و قانون گذار قصد سخت گیری در اجرای آن‌ها را ندارد، از این رو، جایی که متهم حضور ندارد شرایط اثبات اتهام نیز وجود ندارد. علاوه بر دلایل ماهوی مربوط به منع یا تجویز محاکمه غیابی، برخی دلایل عملی نیز می‌تواند به پذیرش این گونه از محاکمات یاری نماید از جمله شمول مرور زمان در مورد جرایم و دیگری از بین رفتن ادله می‌باشد.

حتی در مرحله تجدید نظر نیز، اگر دادگاه تجدید نظر رأی دادگاه بدوی را نقض کرده و وارد ماهیت پرونده شود ملزم است که از متهم دعوت به حضور نماید. در موارد نادری ممکن است که در مرحله بدوی، علی‌رغم غیبت متهم و عدم دفاع وی، دادگاه بدوی رأی بر براءة وی صادر نماید. حال چنان چه شاکی یا دادستان از این رای درخواست تجدید نظر نمایند، این احتمال وجود دارد که دادگاه تجدید نظر حکم دادگاه بدوی را نقض و متهم را محکوم نماید. در این صورت، چنان چه متهم دعوت نشده باشد یا در صورت احضار حضور نیافته، لایحه دفاعیه ارسال ننموده باشد و یا وکیل معرفی ننموده باشد، به استناد نص ماده ۲۶۰ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۷۸ این رای غیابی محسوب و قابل واخواهی از سوی متهم خواهد بود.^{۳۸} مشابه همین مساله در ماده ۳۶۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۸، در دادرسی‌های مدنی نیز پذیرفته شده است.^{۳۹} هم چنین در یک مورد که دیوان عالی نروژ برخلاف اظهار نظر دادگاه بدوی که متهم را تبرئه کرده بود، بدون احضار متهم برای حضور در دادرسی وی را محکوم و مجازات کرد، دیوان اروپایی حقوق بشر رأی دیوان عالی نروژ را نقض حق متهم شناخت. دیوان اروپایی در این زمینه مقرر داشت که اگر دیوان عالی متهم را برای رسیدگی دعوت نکرده باشد، صدور حکم به

محکومیت متهم صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا دیوان وظیفه داشته که متهم را به دیوان عالی احضار نماید و دلایل متهم را مستقیماً دریافت نماید (نیکویی، ۱۳۸۶: ۲۲۶). البته حق حضور در جلسه دادگاه تجدید نظری تواند از طریق معرفی وکیل و حضور وی محقق گردد.

۷. نتیجه‌گیری

در رسیدگی‌های کیفری اصل بر رسیدگی حضوری است. رسیدگی غیابی به پرونده‌ها استثنایی بر اصل است و نباید به عنوان یک قاعده در آیین دادرسی تلقی گردد. به همین دلیل، در نظام حقوق بین الملل در خصوص تجویز یا ممنوعیت محاکمه غیابی تردیدهای فراوانی وجود دارد. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که حقوق بین الملل عرفی و حقوق بین الملل قراردادی در دست یابی به یک راه حل بینابین که از یک طرف، حقوق متهمان رعایت شود و از طرف دیگر، جنایات بین المللی بدون تعقیب، محاکمه و مجازات نماند، ناکام بوده است. در حقوق کیفری ملی به ویژه در نظام حقوقی نوشته و حقوق دادرسی اسلامی برگزاری محاکمه غیابی امری مسلم و پذیرفته شده است. لکن در نظام حقوقی کامن لا جز در موارد استثنایی محاکمه غیابی پذیرفته نیست. از نورنبرگ تا لبنان یک بار دیگر پیوند نزدیکی بین حوادث بین المللی برقرار گردیده است، که در اساسنامه هردو دادگاه، رسیدگی غیابی به صراحت پذیرفته شده است. با این حال، به نظری رسد تجویز یا ممنوعیت محاکمه غیابی تابعی از شرایط و اوضاع واحوال است. تصریح اسناد بین المللی به حق حضور متهم در جلسات دادرسی مانع از رسیدگی غیابی نیست.

به طور کلی می‌توان گفت که برگزاری محاکمه غیابی در دادگاه‌های کیفری بین المللی به عنوان یک « اصل » پذیرفته نشده است. دلایل این امر نیز علاوه بر حمایت از حقوق متهم، رعایت منافع عدالت است که می‌تواند به حقوق بزه دیدگان، شهود و کل جامعه بین المللی نیز مربوط باشد. رسیدگی غیابی باید یک امر استثنایی و خلاف اصل تلقی شود. برخلاف قانون آیین دادرسی کیفری ایران که دادرسی غیابی را بدون محدودیت - به استثناء جرایم حق الهی - در همه جرایم پیش بینی کرده است و هیچ تضمین و معیاری را هم مدنظر قرار نداده است. به نظر می‌رسد در جرایم جزیی توسل

به آن نباید ممنوع باشد لکن در جرایم مهم به ویژه جرایم جنایی و یا جنحه‌های مهم باید همراه با محدودیت‌هایی باشد. از این رو مقررات قانون آیین دادرسی کیفری در زمینه صدور حکم غیابی مستلزم اصلاحات اساسی است. چنان که به موجب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ نیز برای جرایم خلاف، جنحه و جنایت مقررات مختلفی پیش بینی شده بود و کلیه جرایم تابع حکم واحدی نبودند.

پی‌نوشت

۱. حق حضور در دادرسی در سند‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دیگر نیز بیان شده که می‌توان به قسمت چهارم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون میان آمریکایی حقوق بشر، قسمت دوم بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر، قسمت چهارم بند ۴ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق، قسمت چهارم بند ۴ ماده ۲۰ اساسنامه دیوان رواندا و قسمت چهارم بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اشاره کرد.

۲. برای مطالعه بیش تر در خصوص دادرسی غیابی در امور مدنی ر.ک: شمس، عبدالله. آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۱، جلد دوم، چاپ دوم ص ۳۱۵ به بعد.
۳. منظور دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا می‌باشد.

4. trials in absentia

۵. برای مطالعه بیش تر در خصوص ویژگی‌های نظام دادرسی اتهامی و تفتیشی ر.ک: شمس، پیشین، ص ۱۱۹ به بعد.

۶. نظام حقوقی انگلیس را می‌توان یک نظام ترا فعی نامید. به این معنا که در این نظام هریک از طرف‌های پرونده مسئول پیش برد پرونده خود می‌باشد. ر.ک:

Elliott, Catherine and Frances Quine. English Legal System. 2000, p. 237. Third Edition

7. Gagnon

۸. به موجب اصلاحیه ششم قانون اساسی آمریکا هر کس حق دارد که با شهودی که علیه وی شهادت می‌دهند رودررو شود.

۹. بر اساس اصلاحیه چهاردهم هیچ ایالتی نباید « افراد را بدون جریان صحیح قانونی از حیات، آزادی، اموال (خود) محروم کند.»

۱۰. ر. ک: دیوان عالی کشور آمریکا دعوی تیلور، ۱۷-۲۹ و کراز بی، ۷۴۸-۷۵۳

۱۱. کسسه، آنتونیو. حقوق کیفری بین‌المللی. حسین پیران و سایرین (مترجمان). تهران:

انتشارات جنگل. چاپ اول. ۱۳۸۷: ۴۹۵

12. C.Raxin

۱۳. برای مطالعه مختصر در مورد شرایط محاکمه غیابی ر. ک:

S. Trechsel, *Human Rights in Criminal Proceeding* (Oxford: Oxford University Press, 2005), 253-256.

14. Potirimol V. France

15. Krombach V. France

۱۶. ر.ک: کولوزا علیه ایتالیا، بند ۲۹؛ کرومباخ علیه فرانسه بندهای ۸۵ و ۸۷

۱۷. ر.ک: لالا ویلادوا علیه هلند (Lala and Pelladoah v. The Netherlands) بندهای ۳۳،

۳۴، ۴۰-۴۱؛ کرومباخ علیه فرانسه، بندهای ۸۸-۹۱.

۱۸. حدیث جمیل بن دراج، وسایل الشیعه، ج. ۱۸، ص ۲۱۶، به نقل از محقق داماد،

دکتر مصطفی، قواعد فقه (۳) بخش قضایی، انتشارات مرکز علوم اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷:

۲۳۴-۲۳۵.

۱۹. ر.ک: جمادی، علی. قطعیت آراء و حق تجدید نظر خواهی در حقوق کیفری ایران و مقایسه با

فقه و اسناد حقوق بشری. پایان نامه دکتری دانشگاه بهشتی، ۱۳۸۶: ۸۶.

۲۱. الحر العاملی، محمد بن حسن. وسایل الشیعه الی تحصیل الشریعه، با تحقیق عبدالرحیم

الربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. بی تا: ۶۸

۲۲. شمس، پیشین، ص ۱۳۴، به نقل از وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۸، حدیث ۲ به نقل از

محقق داماد، مصطفی، منبع پیشین: ۲۳۶-۷.

۲۳. الطوسی، محمد بن الحسن، المبسوط، تهران: انتشارات الکتبیه المرتضویه، ۱۳۵۱ ه. ش. ج ۸،

ص ۱۶۳.

24. Krupp

25. U.N.Doc. S /25704: 101

26. Human Rights Committee

27. Kriang Sak

28. Barayagwiza

29. Celebici

۳۰. شعبه تجدید نظر دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق نیز این استثناء را پذیرفته

است. دادگاه در تصمیم مربوط به صدور احضاریه برای جمهوری کرواسی اشعار داشته است: ... امکان

رسیدگی غیابی به طور استثنایی وجود دارد، و آن در مواردی است که مسأله توهین به دادگاه مطرح

باشد. به عبارت دیگر، جایی که متهم از حضور در جلسه دادگاه بین المللی خودداری می‌ورزد تا بدین

طریق مانع از اجرای عدالت گردد. ر.ک:

Decision of the Appeals Chamber on the Subpoena, 29 October 1997, at 1863 of the case file (para.59).

یادآوری این نکته مهم است که شعبه بدوی نگفته است که محاکمات غیابی بر اساس اساسنامه

ممنوع است، یا این که آن‌ها مغایر با حقوق بشر هستند؛ در واقع، دادگاه تأکید کرده است که آن‌ها

مناسب نیستند، که یک مسأله کاملاً متفاوتی است.

۳۱. دادگاه‌های مختلط، دادگاه هائی هستند که ترکیبی از حقوق کیفری بین المللی و حقوق داخلی

را اعمال نموده و از قضات داخلی و خارجی تشکیل می‌شوند. دادگاه‌های مختلط در حال

حاضر در کوزوو، تیمور شرقی و سیرالئون در حال فعالیت هستند. ر.ک: حدادی، مهدی (۱۳۸۵). بررسی مشروعیت دادگاه خاص عراق. مجله اندیشه های حقوقی. سال چهارم. شماره ۱۱؛ تاموشات، کریستیان. حقوق بشر. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران: بنیاد حقوقی میزان. ۱۳۸۶ چاپ اول.

۳۲. دادگاه ویژه لبنان (Special tribunal for Lebanon) دادگاهی است که براساس قطعنامه ۱۷۵۷ (۲۰۰۷) شورای امنیت سازمان ملل متحد برای رسیدگی به ترور رفیق حریری نخست وزیر سابق لبنان و ۲۲ نفر از همراهان وی تشکیل شده است. ر.ک: آقای جنت مکان، حسین. دادگاه ویژه لبنان؛ نگاهی متفاوت در حقوق کیفری بین المللی. فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ۱۳۸۸، ۳۹ (۲)

۳۳. برای مطالعه بیش تر در مورد این ماده و به طور کلی محاکمات غیابی در دادگاه های کیفری بین المللی ر.ک:

Antonio Cassese, International Criminal Law (Oxford: Oxford University Press, 2003), 400-405

۳۴. ماده ۱۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری لبنان.

۳۵. این قانون در روزنامه رسمی ش ۲۴۷۲ مورخ ۱۳۳۹/۴/۱ مجموعه قوانین همان سال منتشر شده است.

۳۶. این قانون در روزنامه رسمی ش ۴۴۸۶ مورخ ۱۳۳۹/۴/۲۰ مجموعه قوانین همان سال منتشر شده است

۳۷. سلیمی، سمیه. سال شمار آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور. تهران: انتشارات خورشیدی. ۱۳۸۷، چاپ اول.

۳۸. ماده ۲ به شرح زیر است: کلیه جرایم دارای جنبه الهی است و به شرح زیر تقسیم می گردد: اول ...

۳۹. ماده ۲۶۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر می دارد: در مواردی که رای دادگاه تجدید نظر بر محکومیت متهم باشد و متهم یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده باشند رای دادگاه تجدید نظر ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ واقعی به متهم یا وکیل او، قابل واخواهی و رسیدگی در همان دادگاه تجدید نظر می باشد، رای صادره قطعی است.

۴۰. در مورد صدور رأی غیابی در مرحله تجدید نظر در دعوی حقوقی ر.ک: شمس، پیشین، ۳۱۹ به بعد.

منابع

الف. فارسی

آقای جنت مکان، حسین (۱۳۸۸). تشکیل دادگاه ویژه لبنان؛ نگاهی متفاوت در حقوق

- کیفری بین المللی. فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳۹ (۲): ۲۳-۴۴.
- الطوسی، محمد بن الحسن (۱۳۵۱). *المبسوط فی فقه الامامیه* (ج ۸). تهران: الکتبه المرتضویه.
- جمادی، علی (۱۳۸۶). *قطعیت آراء و حق تجدید نظر خواهی در حقوق کیفری ایران و مقایسه با فقه و اسناد حقوق بشری*. پایان نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- رضوی فرد، بهزاد (۱۳۸۸). *دورنمای کیفری های بین المللی در تعامل میان حقوق بین المللی کیفری و حقوق کیفری بین المللی*. در علی حسین نجفی ابرند آبادی (ویراستار)، *تازه های علوم جنایی* (۳۲۹-۳۹۸). تهران: میزان.
- صابر، محمود (۱۳۸۶). *تضمین های دادرسی عادلانه ناظر بر ساختار دیوان کیفری بین المللی*. *مجله علوم جنایی: دو فصلنامه‌ی موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم شناسی دانشگاه تهران*، ۲: ۱۲۱-۱۵۷.
- صابر محمود (۱۳۸۸). *آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی*. تهران: دادگستر.
- سلیمی، سمیه (۱۳۸۷). *سال شمار آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور*. تهران: خورشیدی.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۱). *آیین دادرسی مدنی*. تهران: میزان.
- لنگی، آندره و ارلت لوییگر (۱۳۸۵). *تاریخ آیین دادرسی جنایی*. محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی (مترجمان). تهران: جنگل.
- کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷). *حقوق کیفری بین المللی*. حسین پیران و سایرین (مترجمان). تهران: جنگل.
- چایساری، گریانگ ساگ و چایساری، کیتی (۱۳۸۷). *حقوق کیفری بین المللی*. ترجمه حسین آقای جنت مکان. تهران: جنگل.
- سالواتور، زاپالا (۱۳۸۷). *حقوق بشر در محاکمات کیفری بین المللی*. ترجمه حسین آقای جنت مکان. اهواز: دانشگاه چمران اهواز.
- شبت. ا. ویلیام (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین المللی*. باقر میر عباسی و حمید الهوتی نظری (مترجمان). تهران: جنگل.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۷). *قواعد فقه (۳): بخش قضایی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۲). *تحریر الوسیله*. تهران: مکتب اعتماد. نیکویی، سمیه (۱۳۸۵). الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه. *مجله حقوقی دادگستری*، ۵۶ و ۵۷: ۲۱۹-۲۴۰.

نجفی، محمدحسن (۱۳۷۴). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام (ج ۴۰)*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نوبهار، رحیم (۱۳۸۹). *اصل قضایی بودن مجازات‌ها (تحلیل فقهی حق بر محاکمه عادلانه)*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ (۱۳۷۸). تهران: روزنامه رسمی.

قانون اصول محاکمات جزایی سوریه (۱۳۷۱). محمد آشوری و جلیل امیدی نبی کندی (مترجمان). تهران: دانشگاه تهران.

قانون اصول محاکمات جزایی لبنان (۱۴۲۸ق). گردآوری وسیم حسن وهبه. بیروت: منشورات زین الحقوقیه.

ب. انگلیسی

Triffterer Otto (1999). *Commentary on the Rome statute of the International criminal court*. (Baden- Baden, nomos)

Elliott, Catherine and Frances Quine (2000). *English Legal System*. (3th ed.). England: Longman.

Cecile, Aptel (2007). Some Innovations in the Statute of the Special Tribunal for Lebanon. *Journal of International Criminal Justice*, 5 (5): 1107-1124.

Gaeta, Paola (2007). To Be (Present) or Not To Be (Present) Trials in Absentia before the Special Tribunal for Lebanon. *Journal of International Criminal Justice*, 5: 1165-1174.

Jordish Wayne and Tin Parker (2010). Trials in Absentia at the Special tribunal for Lebanon. *Journal of International Criminal Justice*, 8: 487-509.